

چالشهای حسابداری اسلامی در ایران

مباحث مربوط به حسابداری اسلامی چندی است که در بین کشورهای اسلامی رواج یافته و علی‌الخصوص ریشه‌های آن را باید در مباحث بانکداری اسلامی و عقود اسلامی جست‌وجو کرد. علی‌الحال اینکه رسیدن به این مقصود توهم است یا یک واقعیت آینده بیان واقع بینانه‌ای است از آنچه که بر سر این مباحث خواهد آمد. به هر حال کشورهای اسلامی بدانند که موضوعات گوناگون را اسلامیزه کنند تا مگر کور سوئی برای عرض اندام در قبال کشورهای غربی یافته باشند. از این گونه مفاهیم می‌توان به بانکداری اسلامی، اقتصاد اسلامی، حسابداری اسلامی و اخیراً نیز در گفته‌ها از خودرو اسلامی سخن به میان آورده شد. این گونه سخن گفتن و ارزشی کردن چیزها معلوم نیست چه بر سر اسلام و مسلمین آورد و یا چگونه گفتمان تمدن‌ها را به کوفت‌مان تمدن‌ها و نظام‌های ارزشی بدل خواهد کرد اما فعلاً برای تقویت پوشالی اینکه ما هم چیزی در بساط داریم شاید کاربرد پیدا کند. هر چند ذکر این نکته ضروری است که آوردن پسوند اسلامی به خودی خود علم حسابداری نیست ولی می‌تواند به مفهوم شاخه‌ای از این علم به منظور اشتباه نشدن با سایر تخصص‌های موجود در این علم که گزاره‌های منحصر به فرد خود را دارد تلقی شود. مقاله ذیل توصیفی مختصر و مفید به قلم دکتر موسی بزرگ اصل است در این خصوص.

## مقدمه

در محافل دانشگاهی و مراجع حرفه‌ای کشورهای مسلمان مدتی است که بحث حسابداری اسلامی مطرح و در این زمینه سمینارهایی نیز برگزار شده است. گروهی از حسابداران مسلمان معتقدند بنابه ملاحظات جهان بینی اسلامی و غربی، حسابداری سنتی که مبتنی بر جهان بینی غربی است نمی‌تواند پاسخگوی تأمین نیازهای گزارشگری مالی در کشورهای اسلامی باشد. لذا حسابداران مسلمان باید در کشورهای اسلامی تعریفی از حسابداری اسلامی ارائه کنند و با تبیین اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی، الزامات گزارشگری را روشن کنند. در این زمینه تحقیقاتی انجام شده است که نتایج آنها همه در یک جهت نمی‌باشد.

گروه دیگری از حسابداران مسلمان اصرار دارند که حسابداری اسلامی یا غربی ندارد، اگر حسابداری اسلامی مطرح شود قاعدتاً حسابداری مسیحی یا حسابداری یهودی هم می‌تواند مصداق داشته باشد. جان‌کلام مخالفان حسابداری اسلامی این است که حسابداری، حسابداری است. در این مقاله

تلاش بر این است که این دیدگاهها در چارچوب شرایط محیطی ایران بررسی شود و نهایتاً تحلیلی از دید نگارنده ارائه گردد.

حسابداری اسلامی در سطح نظری

شاید آنچه که به عنوان تفاوت بنیادی محیطی قابل طرح است حضور دین در زندگی فردی و تجزیه آن از مسائل اجتماعی است. در کشورهای اسلامی نقش تعالیم اسلامی در زندگی جمعی پررنگ می باشد و در قوانین و مقررات حکومت داری، قرآن و سنت در نظر گرفته می شود.

بعضی از صاحب نظران مبانی اقتصاد اسلامی را با اقتصاد غربی کاملاً متفاوت می دانند

(Taheri, 1999; Rahman, 1999, Baydoun and Willet, 2000). در اسلام انسان

امانت دار است. در صورتی که در غرب انسان مالک نهایی شناخته می شود. لذا پاسخگویی نهایی مسلمان از نظر مسائل مالی در برابر خداوند است و چنین پاسخگویی از طریق زکات و خمس در عمل پیاده می شود.

در غرب حداکثرسازی سود، فردگرایی، منافع شخصی زیربنای حرکت های اقتصادی است اما یک مسلمان پایبند به ارزش های اسلامی در پی سود معقول، منافع جمعی و انصاف و عدالت است.

در اسلام بعضی از معاملات رایج در غرب مانند ربا، قمار، تجارت مشروبات الکلی عملی حرام است و ممنوع است. بعضی از رهبران دینی معتقدند، فعالیت های اقتصادی در اسلام بر دو ستون اخلاقی عدالت و احسان استوار است. بنابراین تجارت اسلامی باید برپایه این ارزشها انجام شود.

(Yaya and Hameed, 2004).

این تفاوتها محرك اصلی حسابداران مسلمان برای ارائه يك تعريف و الگو برای حسابداری اسلامی می باشد.

زید (Zaid, 1997) حسابداری اسلامی را به شرح زیر تعریف کرده است: حسابداری فرایند منظم ثبت معاملات مشروع در دفاتر و اندازه گیری نتایج مالی بر مبنای این معاملات به منظور استفاده در تصمیم گیری است. در اینجا تنها تفاوت اصلی آن با تعریف حسابداری سنتی اضافه کردن واژه "مشروع" است. به نظر نمی رسد با اضافه کردن این واژه بتوان حسابداری سنتی را به حسابداری اسلامی تغییر داد. این موضوع در کشور ما که تمام قوانین از جمله قوانین حاکم بر تجارت توسط شورای نگهبان

از نظر انطباق با شرع بررسی می‌شود بیشتر زیر سؤال می‌رود، زیرا بنابر مشروع بودن معاملات است.

افزون بر این، حسابداری باید تمام معاملات را ثبت و گزارش کند. حتی اگر برخلاف شرع، معامله غیرمشروع انجام شود حسابداری ناگزیر به ثبت واقعیت است و نمی‌توان به دلیل غیرمشروع بودن از گزارش آن خودداری کرد.

الخدش علاوه بر مشروعیت، مسئله زکات را در تعریف حسابداری اسلامی گنجانده است

**(AL-Khadash, 2001).**

حسابداری اسلامی عبارت است از فرایند شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری مشروعیت فعالیت‌های مالی که برای تصمیم‌گیری، محاسبه زکات و محاسبه سود واقعی عملیات سرمایه‌گذاری اسلامی براساس دستورات اسلام، مفید باشد.

تعاریف دیگری نیز غیر از این وجود دارد. در اینجا به جز بحث مشروعیت، مسئله زکات اضافه شده است. یکی از مسائلی که در کشورهای اسلامی در مذهب سنی مورد توجه جدی است اندازه‌گیری عناصر صورتهای مالی برای محاسبه زکات است. این موضوع در حوزه بانکداری اسلامی بعضاً نیز پیاده شده است. یعنی زکات به عنوان آخرین رقم سود و زیان گزارش می‌شود. محاسبه زکات باید مبتنی بر ارزشهای جاری داراییها باشد.

در مذهب شیعه زکات به کالاهای معدودی (شتر، گاو، گوسفند، خرما، جو، کشمش، طلا و نقره) تعلق می‌گیرد، اما به منفعت کسب به طور عام تعلق نمی‌گیرد. لذا نمی‌توان در ایران مسئله زکات را به عنوان یک عامل مهم در تعریف حسابداری اسلامی بیان کرد. حوزه گزارشگری مالی اساساً مربوط به شرکتها و دیگر شخصیت‌هایی است که محاسبه زکات برای آنها مورد ندارد. در مذهب شیعه خمس به منفعت کسب تعلق می‌گیرد اما خمس هم اساساً در حوزه فردی است و انتقال آن یا پرداخت آن توسط شخصیت حقوقی یا شرکت تاکنون مطرح نشده است.

## **اهداف حسابداری اسلامی**

### **محاسبه زکات**

بعضی از محققین محاسبه زکات را به عنوان هدف اصلی در حسابداری اسلامی بیان کرده‌اند

**(Gambling and Karim, 1991; Baydoun and Willet, 1994).** اگر زکات به عنوان هدف

اصلي قرار گيرد هر شخص از فريبكاري يا ظاهر آرايي ناخواسته پرهيز مي‌كند زيرا هميشه خدا را ناظر بر اعمال خود مي‌بيند. درنتيجه اطلاعات حسابداري به‌طور غيرمستقيم هم پاسخگوي نيازهاي استفاده‌كنندگان است و هم پاسخگوي مسئوليت اجتماعي (Adnan and Gaffikin, 1997).

طرفداران اين رويکرد معتقدند حداكثرسازي زكات بايد جايگزين حداكثرسازي سود شود. چنين روشي افراد را در تعقيب حداكثرسازي سود به‌نفع توجه به مسائل اجتماعي و انساني تعديل مي‌كند. نارسايي اين دیدگاه اين است که تمرکز بر زكات، موجب محدود شدن حوزه گزارشگري مالي مي‌شود و لازم است اهداف گسترده‌تري در نظر گرفته شود. همان‌گونه که قبلاً عنوان شد، محدوديت موارد مشمول زكات در مذهب شيعه عملاً ناقص قرار دادن محاسبه زكات به‌عنوان يك هدف اصلي در گزارشگري مالي است.

نكته ديگري که در مورد زكات وجود دارد اين است که مفاهيم نظري در حسابداري براي گزارشگري مالي با مقاصد عمومي است. اگر هدف را به زكات محدود كنيم مثل اين است که در حسابداري كنوني هدف را محاسبه ماليات بدانيم. چنين رويكردي در حسابداري مالي مردود است. تضاد ديگري که اين رويکرد گرفتار آن است بحث جايگزيني حداكثرسازي زكات به‌جاي حداكثرسازي سود است. معمولاً زكات در کشورهاي اسلامي ذيربط تابعي از افزايش داراييها (شامل درآمد و سود) است و نرخ آن در حدود 2/5 درصد خالص داراييهاست. در استاندارد حسابداري شماره 9 سازمان حسابداري و حسابري مؤسسات مالي اسلامي نحوه محاسبه زكات تشریح شده است (جدول 1).

لذا زكات زماني حداكثر مي‌شود که سود حداكثر شود. ضمن اينکه اگر حداكثرسازي سود

در چارچوب شرع باشد چه ايرادي دارد؟ حداكثرسازي سود خود انگيزه‌اي براي افزايش كارايي است و در جوامع مسلمان بايد افزايش كارايي براي استفاده بهتر از منابع اقتصادي محدود تشويق شود تا جامعه اسلامي از دام فقر رها شود.

## پاسخگويي اسلامي

هدف پاسخگويي اسلامي متكي به مفهوم خلافت است. انسان خليفه الله است و امانت بزرگي به او سپرده شده است که هيچ مخلوقي ياراي پذيرش آن را نداشته است. براساس اين مفاهيم انسان نهايتاً در برابر پروردگار بايد

پاسخگو باشد، لذا هم باید به حق الله و هم به حق الناس توجه داشته باشد. نحوه پاسخگویی انسان در برابر خدا در قرآن و سنت مشخص شده است. پاسخگویی ثانویه از قرارداد بین سرمایه‌گذار و مدیر ایجاد می‌شود.

يك شرکت براي ايفاي مسئوليت پاسخگويي اوليه و ثانويه، بايد فعاليتهاي مربوط به موضوعات اسلامي، اجتماعي، اقتصادي و محيطي را شناسايي، اندازه‌گيري و گزارش کند. در اين نوع پاسخگويي اهداف ثانويه ديگري مانند رعايت شريعت، محاسبه و توزيع زکات، توزيع عادلانه ثروت را نیز تعريف شده است و شرکتهاتشويق می‌شوند در حل مشکلات امت اسلامي مشارکت کنند (Yaya and Hameed, 2004).

این نگاه به اهداف حسابداری اسلامی حوزه‌ای گسترده‌تر از زکات را دربر می‌گیرد و نکته اساسی که در آن نمایان می‌شود توجه بیشتر به مسائل اجتماعی و حسابداری اجتماعی است. اما باید توجه داشت در بعضی از کشورهای غیرمسلمان نیز چنین مسائلی البته نه از دید خلیفه‌الله بودن انسان ولی از نگاه‌های دیگر مطرح می‌شود.

اگر در کشورهای مسلمان، صاحبان سرمایه عملاً پایبند به شرع باشند و خواستار افشای موارد مغایر شرع باشند، چنین خواستی بدون نیاز به اضافه کردن واژه "اسلامی" میسر است.

## تعیین مبنای زکات

براساس استاندارد حسابداری مالی شماره 9 : زکات

روش خالص داراییها مشمول زکات ۱۱

وجه نقد و معادل وجه نقد	392 ، 554 ، 204
حسابهای دریافتنی (خالص)	216 ، 234 ، 428
تأمین مالی مضاربه	000 ، 000 ، 20
تأمین مالی مشارکت	30ر000ر000
استثنا	20ر000ر000
موجودی کالا	130 ، 814 ، 15
اوراق بهادار قابل خرید و فروش	229 ، 542 ، 180
املاک تجاری	659 ، 330 ، 16

45,000,000	سایر سرمایه‌گذاریهای تجاری
960,475,626	جمع
	کسر می‌شود:
	بدهیها
21,130,727	حسابهای جاری
49,561,094	حسابهای پرداختی
53,185,054	سایر بدهیها
4,000,000	حقوق متعلق به دولت و اوقاف
20,000,000	حقوق اقلیت
684,504,716	حقوق دارندگان حسابهای سرمایه‌گذاری
	محدود نشده
(832,381,591)	جمع بدهیها و حقوق صاحبان
128,094,035	مبنای زکات (خالص داراییها مشمول)
	زکات (
	محاسبات زکات:
3,301,624	زکات دوره مالی = $2/5775\%$ 128,094,035
301,624	

3

هیئت استانداردهای حسابداری آمریکا (FASB) به‌عنوان پیشرو تدوین مفاهیم نظری اقرار کرده است که این مفاهیم برای محیط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آمریکا تدوین شده است. بنابراین شرایط محیطی بر حسابداری مؤثر است. در یک کشور مسلمان اگر محیط اقتصادی مبتنی بر رعایت ارزشهای اسلامی باشد قاعداً چنین محیطی برگزارشگری مالی مؤثر خواهد بود. اما نیازی نیست که برای انعکاس این نیاز واژه "اسلامی" را به حسابداری بیفزاییم. زیرا کار حسابداری مالی ارائه اطلاعات است و این اطلاعات براساس نیازهای استفاده‌کنندگان تعریف می‌شود. البته اگر منظور از حسابداری اسلامی این باشد شاید اختلافها بیشتر برسرنام باشد. آن‌گونه که شاعر بزرگ مولوی می‌فرمایند:

اختلاف خلق از نام اوفتاد      چون به معنی رفت آرام اوفتاد

سودمندی برای تصمیم‌گیری

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی در بیانیه شماره 1، اهداف حسابداری مالی بانکها و مؤسسات مالی اسلامی، هدف اصلی حسابداری مالی را ارائه اطلاعات برای کمک به تصمیم‌گیریهای استفاده‌کنندگان تعریف کرده است.

در این بیانیه آمده است آنهایی که با بانکهای اسلامی سروکار دارند در درجه اول به اطاعت و رضایت خدا در معاملات اهمیت میدهند.

اهداف حسابداری مالی برای سایر بانکها، اکثراً در کشورهای غیراسلامی تعریف شده است. بنابراین طبیعی است که تفاوت‌هایی بین اهداف تعیین شده برای بانکهای اسلامی با اهداف تعیین شده برای سایر بانکها وجود داشته باشد (سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، 1999).

### **این سازمان برای تعیین اهداف از دو رویکرد استفاده کرد:**

الف. تعیین اهداف بر مبنای اصول و روشهای اسلام و سپس بررسی این اهداف با توجه به مبانی نظری موجود.

ب. شروع کار از مبانی نظری موجود و تطبیق آن با شریعت اسلام.

رویکرد اول را یکی از علمای شریعت انجام داده است و رویکرد دوم توسط یک متخصص حسابداری. نهایتاً تعریف اهداف بر اساس رویکرد دوم پذیرفته شد.

### **طبق این بیانیه، هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات زیر است:**

- 1 ( اطلاعات مربوط به رعایت شریعت توسط بانکها،
- 2 ( اطلاعات مربوط به منابع اقتصادی و تعهدات و آثار رویدادها،
- 3 ( اطلاعات لازم برای تعیین زکات،
- 4 ( اطلاعات لازم برای برآورد جریانهای نقدی، زمان و خطرات تحقق آن.
- 5 ( اطلاعات لازم برای ارزیابی مسئولیتهای امانی بانکها برای حفاظت منابع و سرمایه‌گذاران، و
- 6 ( اطلاعات مربوط به ایفای مسئولیت اجتماعی توسط بانک.

بعضی از صاحب‌نظران معتقدند چارچوب نظری سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی بیشتر هم‌جهت با حسابداری سنتی است، اگرچه در اهداف آن جوهره اسلامی مشاهده می‌شود. در دیدگاه سنتی، اطلاعات مربوط برای استفاده‌کنندگان، اطلاعات راجع به وضعیت مالی و عملکرد مالی است. عملکرد مالی هم در قالب سود اندازه‌گیری می‌شود. سود بیشتر معیاری

از موفقیت بیشتر است (Yaya and Hameed, 2002).



شاید از این جهت بعضی از صاحب‌نظران، اهداف حسابداری سنتی را برای حسابداری اسلامی نامناسب بدانند، چون معتقدند در اسلام باید در پی سود معقول بود.

تمام اهدافی که در اینجا بررسی شد به نوعی از حسابداری معاصر گرفته شده است. ماهیت اصلی بحث این است که در کشورهای مسلمان، اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان متفاوت است و استفاده‌کنندگان در مورد مسائلی مانند رعایت شریعت و محاسبه زکات خواهان اطلاعات هستند.

**بنابه دلایل زیر نیازی نیست که برای انعکاس این تفاوتها، حسابداری را به حسابداری اسلامی تغییر دهیم:**

1) هدف حسابداری مالی تأمین نیازهای اطلاعاتی افراد برون سازمانی است و این نیازها تا حدودی تابع محیط است. بنابراین مسائل محیطی بر حسابداری مؤثر است و اگر درجایی علاوه بر اطلاعات معمول در سطح بین‌الملل، اطلاعات دیگری هم مورد نیاز باشد، می‌توان آن را ارائه کرد.

2) در اکثر کشورهای اسلامی بنگاه‌داری و تجارت همانند دیگر کشورها انجام می‌شود و در موارد زیادی اصول تجارت باهم یکسان می‌باشد. اهداف حسابداری هم باید همه بنگاهها را پوشش دهد.

3) دنبال کردن هدف سود حداکثر اگر در چارچوب شرع باشد برای یک مسلمان امر نامشروعی نیست. در عمل هم به نظر نمی‌رسد انگیزه کسب سود یک مسلمان با غیرمسلمان متفاوت باشد.

4) در مورد معاملات که ویژه مسلمانان است می‌تواند استاندارد خاص برای تکمیل استانداردهای رایج تدوین کرد، مانند استانداردهای مربوط به عقود اسلامی.

5) تأکید بر زکات اولاً دامنه کاربرد را محدود می‌کند و ثانیاً در کشور ما به دلیل محدود بودن موارد مشمول زکات، مناسب نیست.

6) اهداف حسابداری را هم می‌توان برپایه سودمندی برای تصمیم‌گیری و هم براساس پاسخگویی تدوین کرد. در موارد زیادی ممکن است اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری برای پاسخگویی هم مناسب باشد. چون اطلاعات هم برای تصمیم‌گیری مورد نیاز است و هم پاسخگویی، در مفاهیم نظری باید هر دو پوشش داده شود. لذا تأکید صرف بر پاسخگویی یا پاسخگویی اسلامی در محیط تجارت کنونی جوابگو نیست.

لذا حسابداری باید همان حسابداری بماند و نیازی نیست واژه "اسلامی" را به آن اضافه کنیم. اما باید به مسائل محیطی در کشورهای

مسلمان توجه شود. مثلاً حسابداری معاملات اسلامی می‌تواند مطرح شود. سازمان حسابداری و حسابرسی، برای عقود اسلامی، استاندارد حسابداری تدوین کرده است. زیرا استانداردهای بین‌المللی در این زمینه کافی نیست. دبیرکل پیشین این سازمان اعتقاد دارد که این استانداردها مکمل استانداردهای بین‌المللی است، نه اینکه تافته جدا بافته (Abdel Karim, 2004).

### مبانی اندازه‌گیری

هم‌اکنون در گزارشگری مالی عملاً از نظام مرکب اندازه‌گیری استفاده می‌شود. در بعضی موارد اندازه‌گیریها مبتنی‌بر بهای تمام شده تاریخی و در موارد دیگر مبتنی‌بر ارزشهای جاری است. انتخاب از میان نظام بهای تمام شده تاریخی و ارزشهای جاری نوعی مصالحه بین خصوصیات کیفی مربوط بودن و قابل اتکا بودن است. در این انتخاب یکی از این دو باتوجه به شرایط موجود و بویژه فراهم بودن ارزشهای جاری قابل اتکا ترجیح داده می‌شود. علاوه بر این، در این تصمیم‌گیری هزینه دستیابی به ارزشهای جاری باید با منافع آن مقایسه گردد (کمیته فنی سازمان حسابرسی، 1381).

در مفاهیم نظری گزارشگری مالی نتیجه‌گیری شده است که در اندازه‌گیری عناصر صورتهای مالی، نظام مبتنی‌بر بهای تمام شده تاریخی ملاک عمل قرار خواهد گرفت و از ارزشهای جاری نیز تا میزانی که با خصوصیات اتکاپذیری و ملاحظات منفعت و هزینه سازگار است، در تعدیل این نظام استفاده خواهد شد. (کمیته فنی سازمان حسابرسی، 1381).

بعضی از پیروان دیدگاه حسابداری اسلامی برای جهت‌گیری در زمینه تعیین مبانی اندازه‌گیری، زکات را به‌عنوان راهنمای اصلی انتخاب کرده است. دلایل انتخاب زکات برای تعیین مبانی اندازه‌گیری به‌شرح زیر است

### : (Yaya and Hameed, 2004)

1) در اسلام زکات مفهومی است که مستقیماً با اندازه‌گیری داراییها سروکار دارد. درقرآن و سنت رهنمودهایی درمورد زمان و روش محاسبه زکات وجود دارد.

2) در بسیاری از آیات قرآن، بلافاصله پس از دستور نماز، زکات برمسلمانان واجب شده است و زکات یکی از ستونهای اصلی اسلام است. بنابراین مسلمانان برای ایفای این تکلیف باید ابرارهای لازم (شامل حسابداری) را بکار گیرند.

3) توسعه حسابداری در دولتهای اولیه اسلامی با زکات رابطه مستقیم دارد. در آن زمان، دولت اسلامی دفاتر و گزارشهای حسابداری را برای تعیین زکات و پاسخگویی درمورد آن، تهیه کرده است. دیدگاه غالب در تعیین زکات، استفاده از قیمت فروش در زمان ایجاد تعهد زکات است. لذا سازمانهای تجاری اسلامی باید از بهای جاری نه بهای تمام شده تاریخی استفاده کنند

**(Hamitha and Hudaib, 2001; Baydoun and willet, 1997, 2000).**

بهای تمام شده تاریخی برخلاف روش ارزش جاری هیچ پایه قابل دفاعی در شریعت ندارد. بنابراین در اندازه‌گیری باید از ارزشهای جاری استفاده شود. استفاده از بهای تمام شده تاریخی میتواند موجب تحریف اصل افشای واقعیت شود. واقعیت، ارزش جاری است و باید افشا شود. در شرایط تورمی، بکارگیری بهای تمام شده تاریخی موجب دوری از واقعیت میشود

**(Yaya and Hameed, 2004).**

در کشور ما به دلیل تورم شدید در سالهای گذشته ارقام بهای تمام شده تاریخی با ارزشهای جاری فاصله زیادی گرفته است و مربوط بودن صورتهای مالی را زیر سؤال برده است. به همین دلیل در استانداردهای مانند استاندارد حسابداری شماره 11 تجدید ارزیابی داراییهای ثابت مشهود مجاز شده است. شرایط تورمی در هر کشوری که باشد اعم از مسلمان یا غیرمسلمان، ارقام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی را از مفهوم اقتصادی تهی می‌سازد. افزون‌براین، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد موارد مشمول زکات در مذهب شیعه محدود است و نمیتواند به عنوان پایه‌ای برای اندازه‌گیری در گزارشگری باشد که دامنه آن بسیار گسترده است. بنابراین، در کشور ما نمیتوان برپایه زکات، نظام اندازه‌گیری ارزشهای جاری را برنظام بهای تمام شده تاریخی ترجیح داد.

### **نتیجه‌گیری**

موضوعی که هم‌اکنون با عنوان حسابداری اسلامی مطرح میشود بسیار جوان است و از مبانی استدلال قوی برخوردار نیست. اگر حسابداری را علم بدانیم مانند علوم دیگر خواهد بود و نمیتوان به آن یک واژه "ارزشی" اضافه کرد. وظیفه حسابداری مالی اطلاع‌رسانی متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان است. نیاز استفاده‌کننده خود نیز تابع محیط است. اگر در کشورهای مسلمان، از قوانین قرآنی در عمل و بی‌ریا پیروی شود، حسابداری مالی هم از این امر متأثر میشود اما نیازی نیست که اسم

آن را تغییر دهیم. اگر چنین شد باید منتظر شنیدن حسابداری یهودی هم باشیم. اما حسابداری معاملات اسلامی بامعنی است، مثل حسابداری عقود اسلامی مشارکت و مضاربه. بعضی از این معاملات در بانکداری اسلامی انجام می‌شود و نیاز به الزامات خاص هم دارد.

باتوجه به جوان بودن این دیدگاه، لازم است تحقیقات درمورد مبانی نظری مبتنی بر شرایط محیطی کشورهای اسلامی ادامه یابد و مباحثی که مطرح می‌شود باید فارغ از تعصبات مذهبی و افراطگرایی باشد. اگر هم بحثی با عنوان حسابداری اسلامی مطرح می‌شود باید به محتوای آن بحث توجه شود و اندیشمندان مسلمان باتوجه به تمام مذاهب اسلامی دیدگاههای خود را ارزیابی و عرضه کنند.

منابع :

- 1- سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی. 1999. استانداردهای حسابداری مؤسسات مالی اسلامی. سازمان حسابرسی (نشریه 164)، ترجمه علی‌اکبر جابری.
- 2 - کمیته فنی سازمان حسابرسی. 1381. استانداردهای حسابداری. سازمان حسابرسی.
- 3 - Valayvtham, S. 2004. **Islamic Accounting and Conventiand Accounting: Incompatible or Complimentany: Conference Paper.**
- 4 - Yaya, R and S. Hameed. 2004. **Objectives and Characteristics of Islamic Accounting: Perceptions of Muslim Accounting Academicians in Yogyakarta, Indonesia**, Conference paper.
- 5- Baydoun, N. and Willet, R. 2000. Islamic Corporate reports Abacus. 36(1): 21-91.
- 6- Zaid, O. A. 1997. Accounting books and reports in the Islamic State proceedings of the International conference 1: Accounting Commerce and Finance: The Islamic Perspective. Sydney, Australia.
- 7- Taheri, M. 1999. The basic principles of Islamic Economy and their Effects on Accounting Standard Setting. www. islamic-finance.net
- 8- Adnan, M. and M.J.R. Gaffikin. 1997. The Shari'ah, Islamic Banks and Accounting Concepts and Practices. Proceedings of the First International Conference an Accounting, Commerce and Finance Islamic Perspective.